روزنامه صبح ایران
دنیای اقتصاد
گروه بین‌الملل
۵۲۱۸۹۳۱۴
international@den.ir

## کلیسای ارتدوکس؛ بازوی ایدئولوژیک پوتین



کتایون ملکی
روزنامه‌نگار

احیای دین در روسیه دوران پوتین از سال ۲۰۱۲ و همزمان با چرخش محافظه‌کارانه حکومت، وارد مرحله تازه‌ای شد. در این دوره، نزدیکی کرملین و کلیسای ارتدوکس روسیه تقویت و مفاهیمی چون «ارزش‌های سنتی»، «پیوندهای معنوی» و خانواده سنتی به بخشی از گفتمان رسمی دولت تبدیل شد. این روند به‌تدریج در سیاستگذاری و قوانین روسیه، از جمله اصلاحات قانون اساسی ۲۰۲۰، بازتاب یافت و در برخی موارد توانست به تصمیمات حکومت مشروعیت ببخشد.

«کریستینا اشتوکل» و «دیمیتری اوزلانر» در مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۶ در مجله Journal of Church and State منتشر کردند، به بررسی نقش کلیسای ارتدوکس روسیه در شکل‌گیری و گسترش دستورکار ارزش‌های سنتی در دوران ولادیمیر پوتین پرداختند. درواقع مسأله اصلی آن است که چطور پیوند سیاست داخلی، دین و ایدئولوژی در روسیه معاصر به ارزش‌های سنتی، ابزاری برای مشروعیت بخشی به نظم سیاسی و بازتعریف جایگاه بین‌المللی این کشور تبدیل شده است.

نکته جالب آن است که جنگ روسیه با اوکراین که حالا ۴ سال و ۸ ماه از آن می‌گذرد نه تنها این دستور کار را متوقف نکرده، بلکه به رادیکال‌تر شدن آن در داخل روسیه و تغییر مسیر ائتلاف‌های محافظه‌کارانه این کشور در عرصه بین‌المللی منجر شده است. از حدود سال ۲۰۱۲ تا آغاز جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، کلیسای ارتدوکس روسیه، سیاستمداران، دیپلمات‌های دولتی و سازمان‌های مدنی نزدیک به کرملین در ساخت روایتی مشترک همکاری داشتند که روسیه را مدافع ارزش‌های سنتی و محافظه‌کاری در برابر لیبرالیسم غربی معرفی می‌کرد.

در این چارچوب، دین از حوزه اعتقادات فردی پا فراتر گذاشته و به یکی از عناصر تعریف هویت سیاسی و تمدنی روسیه تبدیل شد. برخورد با سازمان‌های غیردولتی با برچسب «عامل خارجی» و تاکید بر خانواده سنتی، از جمله نمودهای نهادی این دستور کار است.

روایت روسیه از جنگ با اوکراین نیز درست در همین چارچوب قرار گرفته و به بازنمایی اخلاقی و تمدنی می‌پردازد. در این روایت، روسیه خود را مدافع ارزش‌های دینی و سنتی در برابر غربی معرفی می‌کند که گویا از اخلاق و معنویت فاصله گرفته است. به این ترتیب، منازعه‌ای با ابعاد سرزمینی و ژئوپلیتیک، در قالب تقابل میان دو نظام ارزشی و اخلاقی صورت‌بندی می‌شود؛ تقابلی که در آن روسیه نه آغازگر جنگ، بلکه قربانی تهدیدهای بیرونی تصویر می‌شود.

اما در این بین نکته مهم تاکید بر خاستگاه فراملی این دستور کار است. برخلاف ادعای استقلال فرهنگی از غرب، بخش مهمی از ایده‌ها و الگوهای محافظه‌کارانه مورد استفاده در روسیه از شبکه‌های مسیحی محافظه‌کار غربی تاثیر پذیرفته‌اند. در برخی پژوهش‌های انجام‌شده از جمله پژوهش اشتوکل و اوزلانر این شبکه فراملی را «بین‌الملل اخلاق‌گرا» می‌نامند؛ شبکه‌ای متشکل از سیاستمداران، نهادهای مذهبی، سازمان‌های مدنی و روشنفکرانی که حول مخالفت با برخی تحولات فرهنگی لیبرال، دفاع از خانواده سنتی و... همکاری می‌کنند.

این شبکه در عمل الگویی از همکاری سیاسی و فرهنگی فراتر از مرزهای ملی ایجاد کرده است. با آغاز جنگ اوکراین، بخشی از پیوندهای روسیه با سازمان‌های محافظه‌کار غربی تضعیف شد. تحریم‌ها، محدودیت‌های سفر و محکومیت حمله روسیه از سوی برخی شرکای پیشین، همکاری‌های علنی و نهادی را دشوار کرد. با این حال، این گسست به معنای پایان جاه‌طلبی ایدئولوژیک مسکو نیست. روسیه تلاش می‌کند دامنه نفوذ خود را به کشورهای جنوب جهانی گسترش دهد و همچنان خود را پناهگاهی برای نیروهای مدافع ارزش‌های سنتی معرفی کند.

تلاش کلیسای ارتدوکس روسیه برای افزایش حضور آموزشی و مذهبی در آفریقا و شکل‌گیری نهادهایی مانند «جنبش بین‌المللی روسوفیل‌ها» از نمونه‌های این جهت‌گیری است. در سطح داخلی، جنگ به تشدید دستورکار ارزش‌های سنتی و افزایش ظرفیت محدودکننده آن منجر شده است.

اما از منظر تحلیلی، یکی از تناقض‌های اصلی این روند آن است که نیروهای محافظه‌کار روسیه، همزمان با مخالفت شدید با غرب، از مفاهیم، الگوها و شبکه‌هایی بهره می‌گیرند که بخشی از خاستگاه آنها در همان جوامع غربی قرار دارد. بنابراین، ضدغرب‌گرایی این جریان را نمی‌توان به معنای استقلال کامل فکری و ایدئولوژیک از غرب دانست. در واقع، ایده‌های وارداتی در فرآیندی از بازتعریف و بومی‌سازی، به عنوان مولفه‌هایی از هویت مستقل روسی عرضه می‌شوند.

در نهایت، جنگ اوکراین جایگاه کلیسای ارتدوکس روسیه را در ساختار ایدئولوژیک حکومت تقویت کرده است. کلیسا نه فقط نهادی مذهبی، بلکه یکی از بازیگران موثر در صورت‌بندی هویت سیاسی، تدوین سیاست‌های اخلاقی و بازنمایی تقابل روسیه با غرب شده است. از این منظر، پیوند دین و سیاست در روسیه پوتین را باید فراتر از استفاده حکومت از مذهب فهمید؛ چراکه این پیوند به سازوکاری برای بازتعریف نظم اجتماعی، مشروعیت سیاسی و جایگاه تمدنی روسیه تبدیل شده است.

### آیا آیزنکوت به عنوان طراح «دکترین ضاحیه» می‌تواند نتانیاهو را به تاریخ بسپارد؟

# قمار ژنرال «میزراحی» در تل‌آویو

**دنیای‌اقتصاد:** زمان برای گادی آیزنکوت، رقیب اصلی بنیامین نتانیاهو، جهت تشکیل کابینه از روز یکشنبه (۱۷ آبان) آغاز شد. او مسیر دشواری برای تشکیل ائتلاف در پیش دارد (دنیای اقتصاد در گزارش‌های متعددی به این مساله پرداخته بود از جمله «طلسم نتانیاهو شکسته شد؟» که دوشنبه ۱۸ آبان ماه منتشر شد). اما آیزنکوت کیست؟ «گادی آیزنکوت» ۶۶ ساله، ژنرال سابق، رهبری حزب «یاشار» را بر عهده دارد که با شعار حفظ امنیت اسرائیل و در عین حال چرخش از سیاست‌هایی که موجب خشم بین‌المللی و انزوای اسرائیل در عرصه جهانی شده، کارزار انتخاباتی خود را پیش برد. او حداکثر ۶ هفته مهلت دارد تا ائتلاف خود را برای تشکیل کابینه سازماندهی کند. اگر او در این راه شکست بخورد، رئیس رژیم فرصت را به نامزد دومی که حائز بیشترین آرا شده است، می‌دهد که کسی جز نتانیاهو نخواهد بود.

«آرون باکسرمن» و «جاناتان رایس» در گزارشی برای نیویورک تایمز نوشتند: آیزنکوت که دارای همسر و ۵ فرزند است، در طبریه در شمال از والدینی مهاجر از تبار مراکشی به دنیا آمد و در ایلات، شهری کارگری در جنوب اسرائیل، بزرگ شد. او در زمره یهودیان «میزراحی» است یعنی یهودیان خاورمیانه و شمال آفریقا. با این حال، اسرائیل هرگز نخست‌وزیر میزراحی نداشته است (دنیای اقتصاد در گزارش «آیزنکوت؛ کابوس بی‌بی» که در ۲۲ تیرماه ۱۴۰۵ منتشر شد به این مساله پرداخته بود). او در عرصه سیاست نسبتا تازه‌کار است و تمام دوران کاری خود را در ارتش گذرانده است؛ به‌طوری که تنها بخشی از یک دوره به‌عنوان نماینده پارلمان و ۸ ماه به‌عنوان وزیر خدمت کرده است.

آیزنکوت کار خود را از پیاده‌نظام آغاز کرد و با طی کردن رده‌های نظامی، در سال ۲۰۰۳ و در اوج انتفاضه دوم، فرماندهی عملیات نظامی در کرانه باختری را بر عهده گرفت. در سال ۲۰۱۵، او به‌عنوان بالاترین مقام نظامی (رئیس ستاد کل ارتش) منصوب شد و تا اوایل سال ۲۰۱۹ تحت نخست‌وزیری نتانیاهو در این سمت باقی ماند. او در سال ۲۰۲۲ وارد دنیای سیاست شد و پس از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در کابینه جنگ نتانیاهو حضور یافت. حضور او ۸ ماه به طول انجامید و در ژوئن ۲۰۲۴ به‌دلیل اصرار نتانیاهو بر «پیروزی کامل» به جای توافق با حماس برای آزادی گروگان‌ها، استعفا داد. سال گذشته، آیزنکوت حزب جدیدی به نام «یاشار» تاسیس کرد که هدف آن جذب رأی دهندگان راست میانه‌ای بود که نگران ائتلاف نتانیاهو بودند. داستان زندگی شخصی آیزنکوت نیز با رأی دهندگان طنین‌انداز شد. یکی از پسران و دو برادرزاده‌اش در جنگ غزه کشته شدند. آیزنکوت چشم‌انداز تشکیل کشور مستقل فلسطینی را در کوتاه‌مدت رد کرده است. او همچنین از توسعه محدودتر شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری حمایت کرده و در عین حال قول داده که مانع خشونت شهرک‌نشینان شود. برنامه انتخاباتی او مستقیما روی نقاط ضعف نتانیاهو متمرکز بود؛ از جمله حمایت از فراخوان‌ها برای تحقیق درباره شکست‌های امنیتی و اطلاعاتی پیش از حمله ۷ اکتبر. با این حال، رویکرد او در قبال حزب‌الله لبنان و ایران، فاصله چندانی با سیاست‌های نتانیاهو ندارد. این آیزنکوت بود که در سال ۲۰۰۸ «دکترین ضاحیه» را تبیین کرد؛ دکترینی که خواستار ایجاد بازدارندگی از طریق پاسخ ویرانگر به حملات حزب‌الله بود. انتخابات سرنوشت‌ساز ۲۷ اکتبر، تمام طرف‌ها را از کسب اکثریت قاطع ۶۱ کرسی در پارلمان بازداشت. در این انتخابات ائتلاف نتانیاهو ۵۳ کرسی؛ آیزنکوت و متحدان صهیونیست او ۴۸ کرسی و احزاب عربی: ۱۹ کرسی. ائتلاف نتانیاهو شامل این احزاب است: لیکود، قدرت یهودی [عوتسما یهودیت]، اتحاد یهودیت توراتی، شاس، صهیونیسم مذهبی. ائتلاف مخالفان یا بلوک آیزنکوت هم متشکل از احزاب زیر است: یاشار، با هم، دموکرات‌ها، یسرائیل بیت‌نو. احزاب عربی هم شامل فهرست مشترک (۱۱ کرسی) و رعم (۸ کرسی) است.



اکنون آیزنکوت و متحدانش مسیر آسانی برای رسیدن به قدرت ندارند. آنها می‌توانند با دو حزب تحت رهبری عرب‌ها متحد شوند؛ اما برخی از احزاب راست‌گرای یهودی در بلوک او اعلام کرده‌اند به کابینه‌ای که متکی بر حمایت اعراب باشد نخواهند پیوست. آیزنکوت نیز شروطی تعیین کرده که احزاب عرب هنوز آنها را برآورده نکرده‌اند؛ مانند شناسایی حماس به‌عنوان یک سازمان تروریستی. احتمال دیگر این است که او می‌تواند به دنبال شراکت با اعضای ائتلاف نتانیاهو برای تشکیل یک «کابینه وحدت» باشد. هر دو گزینه دشوار است؛ زیرا برخی از متحدان او علیه فراکسیون‌های افراطی‌های یهودی کارزار راه انداختند؛ درحالی که برخی دیگر قول دادند هرگز به ائتلافی با حمایت احزاب عرب نپیوندند.

### چرا ترامپ ایده انتصاب رئیس «یوفا-سی» به‌عنوان سخنگوی کاخ سفید را روی میز گذاشت؟

# تاکتیک پرزیدنت برای تست افکار عمومی



دنیای اقتصاد چندی پیش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعلام کرد که «دانا وایت» را به عنوان گزینه جدید خود برای سخنگویی کاخ سفید انتخاب کرده است. وایت، مبارز سابق تنومند با سری تراشیده و علاقه‌مند به پوشیدن لباس‌های سیاه، در حال حاضر به عنوان مدیرعامل «یوفا-سی» فعالیت می‌کند؛ سازمان هنرهای رزمی ترکیبی که ترامپ یکی از طرفداران سرسخت آن است. اما ترامپ به شایعاتی که خودش کلید زده بود، پایان داد. ترامپ از باند فرودگاهی در «وست پالم بیچ» فلوریدا گفت: «من فقط شوخی می‌کردم. اما دانا عاشق این ایده است... او فوق‌العاده است». «احمد دیاب»، در گزارش دیروز دوشنبه در الجزیره نوشت، ترامپ با لحنی که گویا حاکی از شوخی بود گفت که از وایت خواسته مبارزانی مانند «اسلام ماخاچف» و «حبیب نورمحمدوف» را به عنوان «دستیار» همراه خود بیاورد. ترامپ در ادامه پست خود نوشته بود: «ما به این افراد نیاز داریم تا از ما در برابر چپ‌های افراطی و مجنون دفاع کنند.»

گزارشگر الجزیره با طرح پرسش «چرا آزمایش ایده‌ها در فضای عمومی؟» نوشت، ترامپ سابقه طولانی در انتخاب گزینه‌های غیر متعارف برای پست‌های دولتی دارد. سمت سخنگویی کاخ سفید پس از آنکه ترامپ در ماه اکتبر به مدت کوتاهی «کیتی زکریا»، تحلیلگر سیاسی را به آن سمت منصوب کرد، همچنان خالی مانده است. او تنها پنج روز در این سمت دوام آورد که کوتاه‌ترین دوره در تاریخ سخنگویان کاخ سفید به شمار می‌رود. زکریا در اولین نشست خبری خود دچار مشکل شد و جلسه ظرف ۱۵ دقیقه به پایان رسید. وایت نیز به همین ترتیب گزینه‌ای خارج از چارچوب‌های معمول برای سمت سخنگویی محسوب می‌شد. اما مطلعان سیاسی می‌گویند ترامپ علاقه خاصی به فراتر رفتن از مرزهای پذیرفته‌شده استاندارد در واشنگتن دارد.

«راب آرلت»، استراتژیست جمهوری‌خواه و مدیر سابق کارزار ترامپ در دلور، به الجزیره گفت: «با شناختی که از پرزیدنت ترامپ دارم، معتقدم او تا حدی جدی بود. او و دانا وایت دوستی و رابطه کاری دیرینه‌ای دارند که قدمت آن به بیش از ۲۵ سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که ترامپ با میزبانی از رویدادها در کازینوی خود در آتلانتیک سیتی از یوفا-سی حمایت کرد. وفاداری و اعتماد متقابل آنها همچنان قوی است.» آرلت معتقد است ترامپ اغلب ایده‌ها را در سطح عمومی مطرح می‌کند تا پیش از تصمیم‌گیری نهایی، واکنش‌ها را بسنجد. او گفت این بخشی از استراتژی رئیس‌جمهور برای جلب تیتر اخبار، تست افکار عمومی و ارزیابی پاسخ‌هاست.

**دانا وایت کیست؟**

وایت متولد ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۹ در منچستر (کانکتیکات)، بوکسور سابق است که دو بار از دانشگاه انصراف داده است. وایت اشتیاق خود به مبارزه را به یک امپراتوری میلیارد دلاری تبدیل کرد. او همچنین یکی از حامیان سیاسی دیرینه ترامپ است. در دسامبر ۲۰۱۵، وایت از نامزدی وی برای ریاست‌جمهوری حمایت کرد؛ درحالی که در آن زمان ترامپ شانس کمی برای پیروزی داشت. وایت به «TMZ Sports» گفت: «هرگز نخواهید شنید که من حرف منفی درباره دونالد ترامپ بزنم. دونالد رأی مرا خواهد داشت.» ترامپ در ادامه توانست در اولین رقابت سیاسی خود، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ پیروز شود.

با این حال، مسیر شغلی این دو مرد دهه‌هاست که به هم گره خورده است. وایت کار خود را با اداره سالن‌های ورزشی در شهرهایی چون بوستون و لاس‌وگاس آغاز کرد و در نهایت مدیریت مبارزان و قهرمانانی چون «تیتو اورتیز» و «چاک لیدل» را بر عهده گرفت. آن زمان دهه ۱۹۹۰ بود و هر دو در مدار مسابقات جدیدی به نام «آلتیمیت فایتینگ چمپیون شیپ» فعال بودند. این تورنمنت برای کنار هم قرار دادن هنرهای رزمی مختلف مانند جوجیتسو و کشتی در یک رینگ طراحی شده بود. در نهایت، تحول این ورزش به یک موفقیت تجاری بین‌المللی به نام وایت ثبت شد. او در سال ۲۰۰۱، پس از آنکه برادران تاجر یعنی «فرانک و لورنزو فرتیتا»، این شرکت را به قیمت ۲ میلیون دلار خریدند، رئیس «یوفا-سی» شد.

به گفته وایت، این ورزش در ابتدا با مشکلات زیادی روبه‌رو بود. منتقدان تورنمنت‌های آن را بسیار خشونت‌آمیز و بدون نظارت می‌دانستند. وایت در کنوانسیون ملی جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۱۶ در سخنانی گفت: «این ورزش اساسا یک ورزش خونین تلقی می‌شد. کمیسیون‌های ورزشی ایالتی از ما حمایت نمی‌کردند. سالن‌های سراسر جهان از میزبانی رویدادهای ما امتناع می‌ورزیدند. هیچ‌کس ما را جدی نمی‌گرفت؛ هیچ‌کس، به جز دونالد ترامپ.» در اولین سال رهبری وایت در «یوفا-سی»، ترامپ ترتیبی داد تا این تورنمنت در «تاج‌محل» او در «آتلانتیک سیتی» نیوجرسی برگزار شود. او سال بعد نیز این کار را تکرار کرد.

وایت این اقدام را عاملی برای پذیرش عمومی «یوفا-سی» می‌داند: «دونالد اولین کسی بود که پتانسیل موجود در یوفا-سی را شناخت و ما را تشویق کرد تا کسب‌وکارمان را بسازیم.» او از آن زمان در کمپین‌های انتخابی سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ برای ترامپ تبلیغ و ده‌ها هزار دلار به کمپین او کمک مالی کرده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰، وایت یک میلیون دلار به یک کمیته اقدام سیاسی طرفدار ترامپ به نام «پک اول آمریکا» اهدا کرد.

ترامپ و وایت از زمان بازگشت او به قدرت، همچنان به روابط نزدیک خود ادامه دادند. در ماه ژوئن، ترامپ به‌عنوان بخشی از جشن‌های دویست‌وپنجاهمین سالگرد استقلال ایالات متحده، میزبان یک تورنمنت یوفا-سی در محوطه کاخ سفید بود. وایت هیچ تجربه دولتی قبلی ندارد. اما برخی کارشناسان می‌گویند که این مساله ممکن است تحت مدیریت ترامپ مانعی ایجاد نکند. «احسان الخطیب»، وکیل و استاد علوم سیاسی در دانشگاه ماری استیت کنتاکی، به الجزیره گفت: «ترامپ دوست دارد خارج از چارچوب‌ها فکر کند و اولین کسی باشد که کاری را انجام می‌دهد تا از دیگران متمایز شود.» الخطیب افزود: «اما این سمت نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌هاست که دانا وایت فاقد آنهاست.»

فقدان تجربه باعث شد برخی منتقدان زمانی که ترامپ برای اولین بار ایده انتصاب وایت به‌عنوان سخنگو را مطرح کرد، توانایی‌های او را زیر سوال ببرند. با این حال، الخطیب توضیح داد که سایر رؤسای جمهور نیز با انتقاداتی در خصوص انتصاب گزینه‌های غیرمعمول در پست‌های دولتی مواجه شده‌اند. الخطیب با ارائه یک نمونه گفت این سناریو «آن قدرها هم که به نظر می‌رسد عجیب نیست. جورج بوش می‌خواست وکیل شخصی و مشاور کاخ سفید خود، هریت میرز را به دیوان عالی ایالات متحده ارتقا دهد؛ درحالی که او قطعا واجد شرایط این سمت نبود.» با این حال، اگر ترامپ انتصاب وایت را دنبال می‌کرد، احتمالا جنجال‌های بیشتری ایجاد می‌شد. ترامپ در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱، چهار سخنگوی کاخ سفید داشت. تا اینجای دوره دوم، او دو سخنگو داشته است: کارولین لیویت و زکریا. این سمت از ۱۶ اکتبر خالی بوده و ترامپ همچنان بدون سخنگوی اصلی است.

### نیویورک‌تایمز از نقش امارات در تسلیح شبه‌نظامیان سودانی پرده برداشت

# مزدوران کلمبیایی در خدمت ابوظبی

**دنیای‌اقتصاد:** بازرسان سازمان ملل دریافتند که امارات متحده عربی مزدوران کلمبیایی را برای جنگیدن در کنار یک گروه شبه‌نظامی بدنام سودانی که متهم به نسل‌کشی است، استخدام کرده است. یک گزارش محرمانه که هفته گذشته به شورای امنیت ارائه شد و نسخه‌ای از آن به دست نیویورک تایمز رسید، به تفصیل توضیح می‌دهد که چگونه یک شرکت امنیتی اماراتی با روابط نزدیک با دولت این کشور، کلمبیایی‌ها را از طریق قلمروهای تحت کنترل نیابتی‌ها و نیروهای اقماری امارات در لیبی و سومالی به سودان منتقل کرده است. «دکلان والش» در گزارشی برای نیویورک تایمز نوشت، این گزارش؛ تفصیلی‌ترین گزارش سازمان ملل تا به امروز درباره نقش امارات در جنگ داخلی سودان است؛ جنگی که امارات در آن به ارسال پهپاد، سلاح و مزدور برای گروه شبه‌نظامی «نیروهای پشتیبانی سریع» (R.S.F) متهم است.

یافته‌های سازمان ملل در مقطعی حساس برای امارات منتشر می‌شود. یکی از دیپلمات‌های ارشد این کشور به نام «لانا زکی نسیبه» که سال‌ها تلاش‌های امارات برای انکار نقش کشورش در سودان را رهبری کرده است، نامزد احراز پست دبیرکلی بعدی سازمان ملل است. نسیبه ۴۸ ساله، تحصیل کرده دانشگاه کمبریج و دارای اصالت فلسطینی، بیش از یک دهه نماینده امارات در سازمان ملل بود و در سال ۲۰۲۴ به امارات بازگشت؛ جایی که سال گذشته به‌عنوان وزیر مشاور در امور خارجه منصوب شد. از زمانی که نسیبه به‌عنوان یک نامزد دقیقه نودی در رقابت برای رهبری سازمان ملل در ماه اکتبر ظهور کرد، رقابت‌ها را برهم زده و در عین حال به‌دلیل نقشش در قبال سودان زیر ذره‌بین و انتقادهای شدید قرار گرفته است. او متهم است که تلاش کرده شواهد مبنی بر حمایت امارات از «نیروهای پشتیبانی سریع» را در نقض تحریم تسلیحاتی سازمان ملل انکار کرده یا اهمیت آنها را کوچک جلوه دهد.

منتقدان همچنین می‌گویند نسیبه تلاش کرده فعالیت نهادهای سازمان ملل را که درباره سیاست‌های امارات در چند کشور عربی تحقیق می‌کنند با حق السکوت و زیر سبیلی رد یا متوقف کند و گاهی نیز در این امر موفق شده است. «برونو استاگنو اوگارته»، از دیده‌بان حقوق بشر، در بیانیه‌ای گفت: «نسیبه بیش از یک دهه در سمت‌هایی برای دولت امارات خدمت کرده و مکررا نقش مخرب آنها را در یمن و سودان سفیدنمایی کرده است؛ او ابوظبی را به عنوان یک بازیگر بشردوست جلوه داده درحالی که شواهد فزاینده از نقش امارات در دامن زدن به جنایات را نادیده گرفته یا پنهان ساخته است.» اوگارته گفت که نامزدی نسیبه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا او تمایلی به «دفاع از استقلال و یکپارچگی سازمان ملل و مکانیسم‌های تحقیقاتی آن، از جمله مواردی که سوءاستفاده‌های امارات را افشا می‌کنند» دارد یا خیر.

نسیبه از زمان ورود سودان به جنگ داخلی در سال ۲۰۲۳، در خط مقدم دیپلماسی امارات درباره این کشور بوده است. امارات



با تامین سلاح، پهپاد و کمک‌های نظامی به «نیروهای پشتیبانی سریع» امید داشت که این گروه شبه‌نظامی ارتش سودان را شکست دهد و منافع امارات را در کشوری با ذخایر غنی طلا و موقعیت استراتژیک در دریای سرخ تضمین کند. کشورها و شرکت‌های دیگری نیز به جنگ سودان دامن زده‌اند؛ از جمله روسیه، ترکیه و اوکراین که عمدتا با ارسال یا فروش سلاح به ارتش سودان این کار را کرده‌اند. اما هیچ‌کدام به اندازه امارات نقش محوری نداشته‌اند. طبق گفته چندین مقام سابق آمریکایی، نسیبه در پشت درهای بسته، بی‌سروصدا متحدان خارجی را تحت فشار قرار داده تا از موضع امارات مبنی بر بی‌طرفی ادعایی در سودان حمایت کنند. اما این مقامات افزودند که او حتی در جلسات خصوصی نیز از صحبت صادقانه درباره نقش کشورش در سودان خودداری کرده که این امر تلاش‌ها برای رسیدن به یک پایان مذاکره‌شده برای مناقشه را پیچیده کرده است. به تازگی، توجهات به نقش امارات در سودان بر روی گروه موسوم به «گرگ‌های صحرا» متمرکز شده است؛ گروهی از مزدوران کلمبیایی که برای جنگیدن در کنار «نیروهای پشتیبانی سریع» استخدام شده‌اند. اوایل امسال هنگامی که سازمان ملل امارات را به تامین مزدوران کلمبیایی در سودان متهم کرد، این کشور موضعی دفاعی به خود گرفت. در گزارش هیات بازرسان سازمان ملل در ماه ژوئیه آمده بود که مزدوران کلمبیایی پیش از اعزام به سودان، در ۲ پایگاه نظامی در ابوظبی آموزش دیده‌اند.

جدیدترین گزارش بازرسان که جمعه گذشته به شورای امنیت ارسال شد، بیان می‌کند این مزدوران توسط «گروه خدمات امنیتی جهانی» استخدام شده‌اند؛ یک شرکت امنیتی خصوصی مستقر در ابوظبی با پیوندهای قوی سیاسی، تجاری و خانوادگی با چهره‌های ارشد خاندان حاکم امارات. اسناد نشان می‌دهد این شرکت توسط یک مقام ارشد در خاندان حاکمان امارات تاسیس شده است. تحلیلگران می‌گویند نظارت و انتقاد فزاینده از سوابق نسیبه در قبال سودان ممکن است به تلاش او برای دبیرکلی آسیب بزند.

### چرا باکو با عبور از حوزه نفوذ انحصاری ترکیه، تل‌آویو و واشنگتن را به هم‌پیمانی با ترکیه ترجیح داد؟

# پایان عصر «برادر کوچک»

**دنیای‌اقتصاد:** جمهوری آذربایجان از حوزه نفوذ انحصاری ترکیه در جهان به اصطلاح ترک فراتر رفته است. این کشور در حال ایجاد روابط نزدیک‌تر با رقبا (و حتی دشمنان) آنکارا و بیش از همه اسرائیل است. این به معنای قطع روابط با ترکیه یا رها کردن نهادهای ترک نیست، بلکه باکو به دنبال جایگزینی رابطه «برادر بزرگ و برادر کوچک» با شبکه‌ای گسترده‌تر از مشارکت‌هاست تا استقلال و فضای مانور خود را حفظ کند. به گزارش «د کریدل»، این تنش‌ها در اوایل اکتبر ۲۰۲۶ نمایان شد؛ زمانی که اختلاف‌نظرهایی درباره سیاست‌های داخلی باکو-به‌ویژه در مورد پوشش حجاب در مدارس-و روابط این کشور با اسرائیل بروز کرد.



غیبت علی‌اف در نشست سران کشورهای ترک در آنکارا، به همراه عدم حضور رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در نشست کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (سیکا) در باکو، این شکاف را بیشتر آشکار ساخت. این مناقشه به دنبال اعتراض «اکتای صرال»، مشاور اردوغان، درخصوص محدودیت‌های قانونی پوشش در مدارس آذربایجان تشدید شد. با کو این موضع‌گیری را به‌عنوان دخالت در امور داخلی خود تلقی کرد. اگرچه گزارش شد که اردوغان برای مهار تنش، صرال را برکنار کرده است، اما انتقادات ادامه یافت و باکو قاطعانه بر حق حاکمیتی خود برای تعیین سیاست داخلی‌اش تاکید کرد. «صامیل طیار»، چهره برجسته حزب عدالت و توسعه، هشدار داد که این دو «ملت برادر» نباید اجازه دهند بازیگرانی مانند اسرائیل بین آنها تفرقه بیندازند (دنیای اقتصاد پیش‌تر در گزارشی با عنوان «دکترین استقلال علی‌اف در برابر ترکیه» به این مساله پرداخته بود).

کارشناسان نزدیکی با کو-تل‌آویو را به عنوان واکنشی احساسی به انتقادات ترکیه نمی‌نگرند، بلکه آن را بخشی از استراتژی گسترده‌تر باکو برای تعمیق روابط با اسرائیل ارزیابی می‌کنند که به‌عنوان حامی اصلی این کشور عمل می‌کند. طی چند دهه گذشته، اسرائیل یکی از تامین‌کنندگان اصلی تسلیحات پیشرفته برای جمهوری آذربایجان بوده است؛ علاوه بر این، همکاری‌های دو طرف به تولید پهپادها و مهمات هدایت‌شونده دقیق و همچنین همکاری در حوزه‌های فناوری، کشاورزی و امنیت سایبری گسترش یافته است. داده‌های ردیابی نفتکش‌ها نشان می‌دهد که حدود ۳۴ میلیون بشکه نفت خام آذربایجان در سال ۲۰۲۵ به اسرائیل رسیده است. اسرائیل سه هدف را برای باکو برآورده می‌سازد: تامین فناوری و تسلیحات؛ ایجاد پایگاه حمایتی و کانالی برای اعمال نفوذ در واشنگتن؛ ایجاد بازارها در کنار همکاری‌های اقتصادی و امنیتی. کارشناسان بر این باورند که اگر باکو مجبور شود بین آنکارا و تل‌آویو یکی را انتخاب کند، اسرائیل را برمی‌گزینند. در نتیجه، این انتظار ترکیه که آذربایجان باید به‌طور کامل با موضع ضد اسرائیلی این کشور همسو شود، با محاسبات استراتژیک علی‌اف سازگار نیست. باکو حاضر نیست روابط خود با تل‌آویو و واشنگتن را فدای همسویی سیاسی با ترکیه کند.

در مدیترانه شرقی، همکاری‌های دفاعی و اقتصادی میان یونان، قبرس و اسرائیل گسترش یافته است. دهمین نشست سه‌جانبه طرفین در ۲۲ دسامبر ۲۰۲۵ در قدس برگزار شد و یک «برنامه اقدام نظامی مشترک» برای سال ۲۰۲۶ (شامل آموزش‌های مشترک و فعالیت‌های عملیاتی) در نیکوزیا به امضا رسید. چارچوب انرژی «۳+۱» که شامل ایالات متحده نیز می‌شود، واشنگتن را بیشتر به درون این همکاری کشانده است. از منظر آنکارا، این امر بر تعادل امنیتی و همچنین آزادی عمل ترکیه در خصوص امور دریایی و انرژی تاثیر منفی می‌گذارد. به گزارش «د کریدل»، بدتر شدن روابط ترکیه و اسرائیل، به همراه همکاری‌های دفاعی اسرائیل با یونان و قبرس، نگرانی‌های آنکارا را تشدید کرده است. در همین حال، ترکیه تلاش کرده است تا مشارکت‌های منطقه‌ای خود را گسترش دهد که نمونه آن نشست شورای همکاری استراتژیک این کشور با مصر در فوریه ۲۰۲۶ است.

کارشناسان می‌گویند، مسیر مستقل باکو و مشارکتش با اسرائیل عمیقا در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان ریشه دوانده است. علی‌اف که با پیروزی در قره‌باغ تقویت شده و بر تهیه تسلیحات با استفاده از منابع مالی خود تاکید می‌کند، به دنبال تحکیم یک هویت مستقل و رها کردن نقش «برادر کوچک» آنکارا است. اکنون علی‌اف اتحاد خود با اسرائیل را در برابر ترکیه به نمایش می‌گذارد و محاسبه می‌کند که این ترکیه است که برای دستیابی به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به آذربایجان نیاز دارد. علی‌اف معتقد است که با توجه به نیاز روسیه به کشورش برای دور زدن تحریم‌های غربی-همراه با حمایت ترامپ از آذربایجان-او در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند در برابر ترکیه بایستد. جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه این کشور را با منافع آذربایجان در تقابل قرار داده است. کارشناسان چهار مسیر احتمالی را برای آنکارا شناسایی می‌کند: اول، چرخش تاکتیکی به سمت ایران. دوم، بازسازی روابط با غرب و تنش‌زدایی با یونان و اروپا. سوم، مدیریت تنش‌ها با باکو و پذیرش نقش جدید جمهوری آذربایجان که رویکردی واقع‌بینانه‌تر است. چهارم، تشدید انزوا و اتخاذ موضع تهاجمی. به هر روی، با کو به‌طور فزاینده‌ای مصمم است مسیر خود را دنبال کند؛ حتی زمانی که این امر این کشور را با آنکارا در تقابل قرار دهد.